

# به سوی امید

## اودیسه رهایی

سرنوشت لهستان در طول جنگ جهانی دوم



یک گوت جوان، خاورمیانه (عکس: AIPIN)  
A young cadet, Middle East (Photo: AIPIN)



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom

THE FATE OF POLES DURING THE SECOND WORLD WAR



INSTITUTE OF  
NATIONAL  
REMEMBRANCE



# حمله به لهستان

## THE ATTACK ON POLAND

با حمله آلمان به لهستان در اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم آغاز شد. ارتش سرخ در ۱۷ سپتامبر ۱۹۳۹ از مرزهای جمهوری لهستان عبور کرد و به این ترتیب به مفاد پیمان مولوتوف-ریبنتروپ جامه عمل پوشاند. این پیمان، قراردادی بود که میان اتحاد جماهیر شوروی و رایش آلمان در ۲۳ اوت ۱۹۳۹ منعقد شده بود. بر اساس ساز و کار محرمانه این پیمان و توافقات صورت گرفته، لهستان تقسیم شد و مناطق تحت نفوذ اتحاد جماهیر شوروی و آلمان در اروپای مرکزی و شرقی مشخص گردید. بنابراین لهستانی‌ها برای مبارزه‌ای قهرمانانه به پا خواستند اما این مبارزه نابرابر بود. در ۱۷ سپتامبر، مقامات دولتی لهستان از مرز لهستان و رومانی عبور کردند. سپس هزاران نفر از مردمی که مشتاق ادامه مبارزه در راه آزادی بودند، از مرزهای رومانی و مجارستان فرار کردند تا مبارزه را در خارج ادامه دهند. نیروهای آلمان و شوروی ترس و وحشتی سراسری و سرکوبی شدید را در این کشور اشغال شده، به راه انداختند. با این حال لهستانی‌ها به سرعت یک جنبش مقاومت سازماندهی کردند و تشکیلاتی به صورت زیرزمینی در زمینه اداره دولتی، آموزش، پلیس و ارتش ایجاد شد.

The German attack on Poland on 1 September 1939 initiated the Second World War. On 17 September 1939 the Red Army crossed the borders of the Republic of Poland, in this way fulfilling the provisions of the Molotov-Ribbentrop Pact: the agreement concluded between the USSR and the German Reich on 23 August 1939. Its secret protocol provided an agreement on the division of Poland and defined the spheres of influence of the Soviet Union and Germany in Central and Eastern Europe. The Poles became engaged in a heroic yet unequal fight. On 17 September, Polish state authorities crossed the Polish-Romanian border. Thousands of people eager to continue the fight for freedom also fled across the borders with Romania and Hungary. The Germans and Soviets inflicted terror and mass repressions in the country they occupied, however Poles quickly embarked on forming a resistance movement. Underground structures of state administration, education, police, and the army were developed.



رئیس شورای کمیساریای خلق اتحاد جماهیر شوروی و وزیر امور خارجه شوروی در حال امضای سند پیمان عدم تعرض آلمان و شوروی (معروف به پیمان مولوتوف-ریبنتروپ)، مسکو، ۲۳ اوت ۱۹۳۹. (عکس: AIPN)

The Chairman of the Council of People's Commissars of the Soviet Union and Soviet Minister of Foreign Affairs signing the document of the German-Soviet nonaggression pact (known as the Molotov-Ribbentrop Pact), Moscow, 23 August 1939 (Photo: AIPN)

اردوگاه اقامت اجباری سربازان لهستانی در تارگو ژیو در رومانی، سال ۱۹۴۰. (عکس: استانیسواف سارک، مؤسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدای بنیاد مرکز KARTA)

The internment camp for Polish soldiers in Targu-Jiu in Romania, 1940 (Photo: Stanislaw Sarek, Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)



ورشو در سپتامبر ۱۹۳۹. (عکس: بنیاد مرکز KARTA)

Warsaw in September 1939 (Photo: KARTA Centre Foundation)

شلزویگ-هولشتاین، یک ناو جنگی آلمانی دریدنوت، که در سال ۱۹۳۹ مواضع لهستان را در وسترپلاته در گدانسک کلوله باران کرد. (عکس: AIPN)

The Schleswig-Holstein, a German pre-dreadnought battleship, shelling Polish positions at Westerplatte in Gdańsk, 1939 (Photo: AIPN)





# وحشت از اشغال

## THE TERROR OF THE OCCUPATION

The purpose of German repression in the occupied Poland was the biological destruction of the nation in labour camps, concentration camps, and in the death camps. Only in this part of Europe was aiding Jews punishable by death. Collective responsibility meant murdering whole families.

The most destructive form of mass repression the Soviets resorted to was deportation into the backwoods of the USSR. At least 315,000 Polish citizens were deported in 1940-41. Each individual tragedy started with a several-week long journey in cattle wagons in the extreme temperatures of the Siberian winter or summer. Many of the sick, the elderly and children died on the way. Being exposed to extreme weather conditions, many of the deportees were worked to death in the forests and mines.

Polish soldiers and police officers imprisoned by the Soviets in 1939 were transported to special NKVD camps in Kozelsk, Starobelsk, and Ostashkov, and subsequently executed as part of the Katyn Massacre which was decreed by the highest Soviet authorities on 5 March 1940.

هدف آلمان از سرکوبگری در سرزمین اشغال لهستان، نابودی کلیه افراد لهستانی در اردوگاه‌های کار، اردوگاه‌های کار اجباری و در نهایت در اردوگاه‌های مرگ بود. در این بخش از اروپا، کمک کردن به یهودیان با مجازات اعدام روبرو می‌شد و تمامی اعضای خانواده می‌بایست بهای کمک به یهودیان را با جان خود می‌پرداختند. شدیدترین و مخربترین نوع سرکوبی که شوروی به آن متوسل شد، تبعید افراد به مناطق دورافتاده در اتحاد جماهیر شوروی بود. حداقل ۳۱۵۰۰۰ شهروند لهستانی در سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۱ تبعید شدند. ماجرای غم‌انگیز هر لهستانی با یک سفر طولانی چند هفته‌ای سوار بر گاری در سرما و گرمای فوق‌العاده شدید زمستان و تابستان سبیری شروع شد. بسیاری از بیماران و سالمندان و همچنین کودکان در طول راه و قبل از رسیدن به مقصد جان باختند. اکثر تبعیدشدگان مجبور به انجام کارهای اجباری و مرکبار و آن هم در شرایط آب و هوایی بسیار سخت در میان جنگل‌ها و معادن بودند. سربازان و افسران پلیس لهستانی که در سال ۱۹۳۹ توسط شوروی به عنوان اسیر جنگی دستگیر شدند به اردوگاه‌های ویژه کمیساریای خلق در امور داخلی (ان‌کاوه‌ده) در کوزلسک، استاروبلسک و اوستاشکوف منتقل شده و سپس در ماجرای قتل عام کاتین اعدام شدند. دستور این کشتار توسط بالاترین مقامات شوروی در ۵ مارس ۱۹۴۰ صادر شد.



گروهی از زنان در حال کار و قطع درختان در جنگلی در نزدیکی زودلافسک در اتحاد جماهیر شوروی، ۲۲ نوامبر - ۱۹۴۰. (عکس: بنیاد مرکز KARTA، اهدایی هالینا کارنی)

A group of women at work clearfelling a forest near Sverdlovsk in the USSR, 22 November 1940 (Photo: KARTA Centre Foundation, courtesy of Halina Karny)

تبعید شدگان لهستانی که از شهر زوآچوف به اتحاد جماهیر شوروی می‌رفتند، در کنار مزار نزدیکان و عزیزانشان که در تبعید از دنیا رفتند، نشستند. از سمت چپ به راست: جولیا فداک، یرژی فداک، و زوفیا هوشووسکا. یانوشوکا، قزاقستان، جمهوری سوسیالیستی شوروی، سال ۱۹۴۲. (عکس: بنیاد مرکز KARTA، اهدایی یرژی فداک)

Polish deportees from Zloczów to the USSR by the graves of their loved ones who had died while in exile. Left to right: Julla Fedak, Jerzy Fedak, and Zofia Hosowska. Janushevka, Kazakh SSR, 1942 (Photo: KARTA Centre Foundation, courtesy of Jerzy Fedak)





# خون، عرق و اشک ۱۹۴۰

## BLOOD, SWEAT, AND TEARS – 1940

The Polish Army began to form in France in the autumn of 1939. Enlisting in it were Poles escaping from their homeland and the ones who had stayed in Western Europe earlier on.

To secure the necessary resources, the Third Reich attacked Denmark and Norway on 9 April 1940. Polish units participated in the fighting in Norway, proving their courage in the Battle of Narvik. Even though it ended in retreat, Narvik harbour became the symbol of the first victory over the Germans.

On 10 May 1940, the German aggression turned against Belgium, the Netherlands, and France. After the Germans broke the front on the Somme and Aisne rivers, they could not be stopped. Three days before France capitulated, the evacuation of Polish soldiers to the United Kingdom began.

The Polish I Corps was formed by order of the Commander-in-Chief of the Polish Armed Forces, General Władysław Sikorski. Polish squadrons fought in the Battle of Britain, with Poles joining the fray when the largest aerial battle in the world was entering its decisive phase. Allied victory was possible thanks to the cooperation of pilots from many countries occupied by the Germans. It was thanks to their devotion that the invasion of the United Kingdom could be prevented.

ارتش لهستان در پاییز سال ۱۹۳۹ در فرانسه، شروع به شکل گیری کرد. لهستانی‌هایی که از وطن خود فرار کرده بودند و آنهایی که قبلاً در اروپای غربی مانده بودند، در این ارتش ثبت نام کردند. در ۹ آوریل ۱۹۴۰، رایش سوم به دانمارک و نروژ حمله کرد تا منابع لازم را تأمین کند. یگان‌های لهستانی در جنگ در نروژ شرکت کردند و شجاعت خود را در نبرد نارویک به اثبات رساندند. اگرچه این نبرد با شکست مواجه شد، اما بندر نارویک به نماد اولین پیروزی در مقابل آلمان‌ها تبدیل گشت. در ۱۰ مه ۱۹۴۰ آلمان به بلژیک، هلند و فرانسه حمله کرد. پس از آنکه آلمانی‌ها جبهه جنگ در نهم و آيسنه را شکستند، دیگر چیزی جلودار آن‌ها نبود. سه روز قبل از تسلیم شدن فرانسه، تخلیه سربازان لهستانی و انتقال آنها به بریتانیا آغاز شد. سپاه اول لهستان به دستور بازرس کل نیروهای مسلح ژنرال وادیسواف شیکورسکی تشکیل شد. گردان‌های هوایی لهستانی در نبرد بریتانیا جنگیدند. لهستانی‌ها درست زمانی که بزرگترین نبرد هوایی جهان وارد مرحله سرنوشت‌سازی می‌شد، به این نبرد پیوستند. به لطف همکاری و کمک خلبانان از بسیاری از کشورهای تحت اشغال آلمان‌ها، متفقین به پیروزی رسیدند. به دلیل فداکاری آنها از حمله به بریتانیا جلوگیری شد.



✈️ هواپیمای گردان هوایی ۳۰۳ RAF، بریتانیا، ۱۹۴۲. (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، هدایی بنیاد مرکز KARTA)

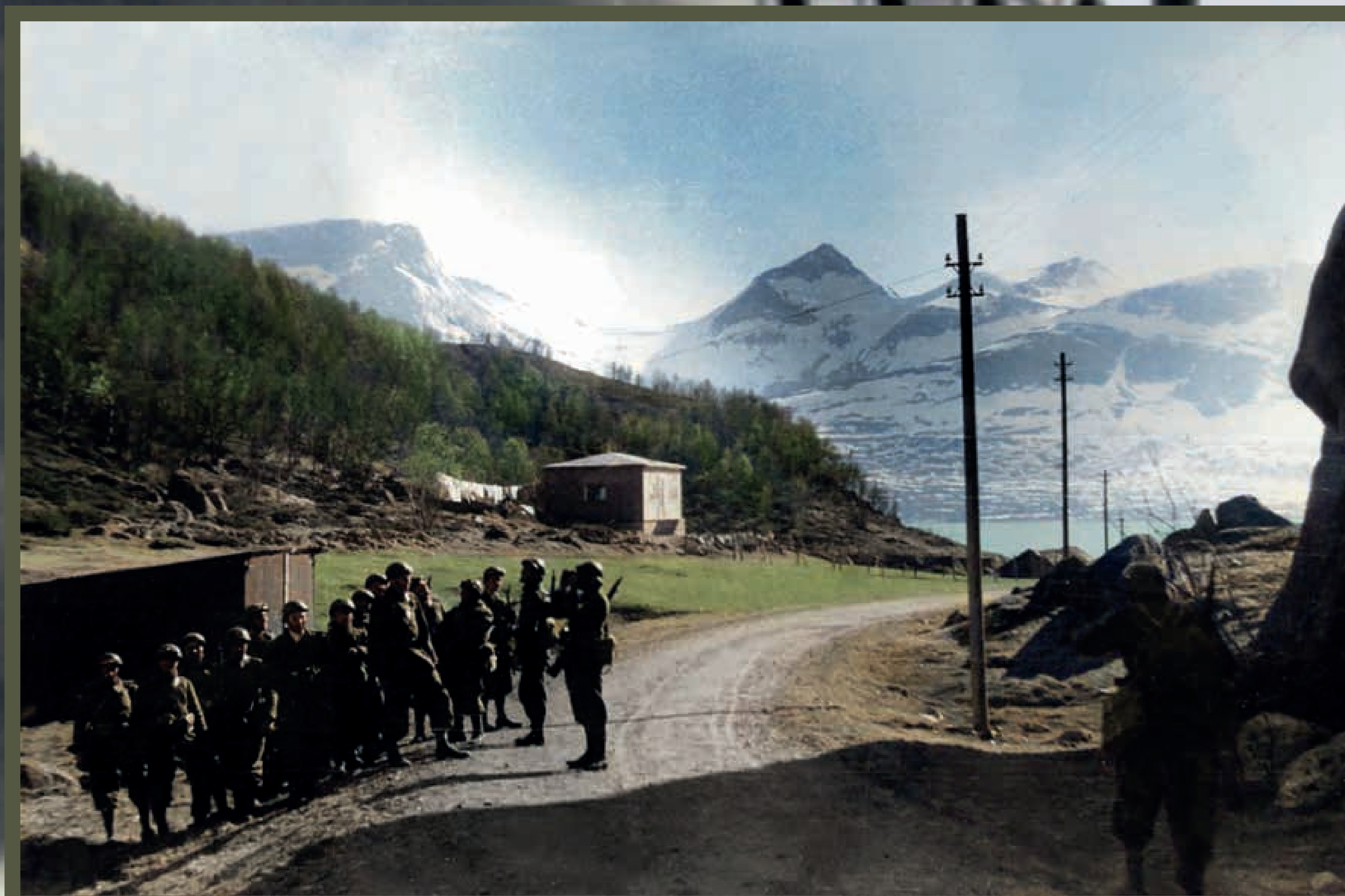
The planes of the 303 Squadron of the RAF, UK, 1942 (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)

👤 سربازان تیپ هایلند مستقل لهستانی در نروژ، ماه مه ۱۹۴۰. (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، هدایی بنیاد مرکز KARTA)

Soldiers of the Polish Independent Highland Brigade in Norway, May 1940 (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)

🚗 سربازان زرهی لهستان - تانک‌های رنو R-35 گروهان خط سوم، از اولین گردان تانک لهستانی تیپ ۱۰ زرهی سواره نظام در طول نبرد در مارن در فرانسه، ژوئن ۱۹۴۰. (عکس از مجموعه کیشیتوف باربارسکی، هدایی بنیاد مرکز KARTA)

Polish armoured troops – Renault R-35 tanks of the 3rd Line Company of the 1st Polish Tank Battalion of the 10th Armoured Cavalry Brigade during the campaign on the Marne in France, June 1940 (Photo from the collection of Krzysztof Barbariski, courtesy of the KARTA Centre Foundation)





# جنگ گسترش می یابد

## THE WAR SPREADS

The year 1941 brought changes. The outbreak of the German–Russian War on 22 June broke the previous alliance and had USSR change sides and join the Allies. This had a bearing on the situation of Polish citizens on the territory of the USSR.

The Polish Independent Carpathian Rifle Brigade, commanded by General Stanislaw Kopański, was sent to fight on a new front in the war: in North Africa. In late August 1941 it was instructed to reinforce the fortress of Tobruk, besieged by the German and Italian forces. In October Poles took over the longest and most difficult Western defence sector of the fortress. Fighting in Tobruk continued until December 1941, when Allied Forces relieved the siege.

In 1941, other countries entered the war, which changed the balance of power on the front. Now the war extended to nearly every corner of the world.

سال ۱۹۴۱ تغییراتی را به همراه داشت. شروع جنگ آلمان و روسیه در ۲۲ ژوئن پیمان همبستگی قبلی را شکست و اتحاد جماهیر شوروی تغییر موضع داد و به متفقین پیوست. این موضوع بر وضعیت شهروندان لهستانی در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی تأثیر گذاشت.

تیپ تفنگ کارپات مستقل لهستان به فرماندهی ژنرال استانیسواف کوپانسکی برای شرکت در جنگ در جبهه‌ای جدید واقع در شمال آفریقا اعزام شد. در اواخر اگوست ۱۹۴۱ فرمان رسید که دژ طریق تقویت گردد؛ این دژ توسط نیروهای آلمانی و ایتالیایی محاصره شده بود. در ماه اکتبر، لهستانی‌ها طولانی‌ترین و سخت‌ترین بخش دفاعی غربی دژ را تصرف کردند. نبرد در طریق تا دسامبر ۱۹۴۱، یعنی زمانی که نیروهای متفقین از محاصره خلاص شدند، ادامه یافت. در دسامبر ۱۹۴۱ ایالات متحده وارد جنگ شد و با ورود آن توازن نیروها در جبهه تغییر یافت. تا این زمان جنگ در گوشه گوشه دنیا گسترش یافته بود.



📍 سربازان تیپ تفنگ کارپات مستقل لهستان در خط مقدم در صحرای نزدیک طبرق، لیبی، دسامبر ۱۹۴۱. (عکس: NAC)

Soldiers of the Polish Independent Carpathian Rifle Brigade on the front line in the desert near Tobruk, Libya, December 1941 (Photo: NAC)

📍 صفی از اسیران جنگی شوروی در نزدیکی قلعه برست، ۱۹۴۱. (عکس: بنیاد مرکز KARTA، اهدایی استانیسواف بلیکیویچ)

A column of Soviet prisoners of war near the fortress of Brest, 1941 (Photo: KARTA Centre Foundation, courtesy of Stanislaw Blichiewicz)





# بارقه‌ای از امید

## A SPARK OF HOPE



امضای پیمان شیکورسکی-مایسکی برقراری مجدد روابط دیپلماتیک بین لهستان و اتحاد جماهیر شوروی. لندن، ۳۰ جولای، ۱۹۴۱. (عکس: موزه جنگ سلطنتی)

The signing of the Sikorski-Mayski Agreement reinstating diplomatic relations between Poland and the USSR. London, 30 July 1941 (Photo: Imperial War Museum)

قرارداد لهستان-شوروی در ۳ ژوئیه ۱۹۴۱ در لندن امضا شد. این قرارداد علاوه بر مجموعه‌ای از مفادی که داشت، روابط دیپلماتیک متقابل را نیز دوباره برقرار می‌کرد. این قرارداد شامل «عفو عمومی» برای شهروندان لهستانی در سراسر اتحاد جماهیر شوروی بود و به این ترتیب اجازه آزادی بسیاری از مردم از اردوگاه‌ها و تبعیدگاه‌ها فراهم شد. در ۱۴ اوت، قراردادی مبنی بر اتحاد نظامی بیشتر امضا شد که مفاد آن اصول عملیات ارتش لهستان (بخشی از نیروهای مسلح لهستان) در اتحاد جماهیر شوروی را تعریف می‌کرد. لهستانی‌ها در آرزوی بازگشت به وطن امیدوار و دلگرم شده بودند. مقامات شوروی ژنرال وادیسواف آندرس را از زندان آزاد کردند و فرماندهی ارتش به دست او سپرده شد. تصمیم‌گیری در خصوص گسترش ارتش لهستان و سپس ارسال آن به جبهه در جریان سفر ژنرال وادیسواف شیکورسکی به مسکو در دسامبر ۱۹۴۱ انجام شد. به موازات آن، دولت لهستان جستجوی وسیعی را جهت یافتن سربازان لهستانی‌ای آغاز کرد که در سال ۱۹۳۹ توسط روس‌ها به عنوان اسیر جنگی دستگیر شده بودند.

A Polish-Soviet agreement that, among other provisions, re-established mutual diplomatic relations was signed in London on 30 July 1941. It included an "amnesty" for Polish citizens throughout the USSR. This allowed the release of many people from the camps and places of exile. The signing of a further military alliance, whose provisions defined the principles of operation of the Polish Army in the USSR (part of the Polish Armed Forces) took place on 14 August. Polish hearts were inspired by the hope of returning home. The command of the army was entrusted to General Władysław Anders, whom the Soviet authorities released from prison. A decision to expand the Polish army and then send it to the front was reached during the visit of General Władysław Sikorski to Moscow in December 1941. At the same time the Polish government began an intensive search for the Polish soldiers taken prisoners of war by the Soviets in 1939.



ژنرال وادیسواف آندرس (فرمانده ارتش لهستان در اتحاد جماهیر شوروی) و کولنل لئوپالد اوکولیک (رئیس ستاد ارتش لهستان در اتحاد جماهیر شوروی) در دفترکار ژنرال آندرس، ۱۹۴۲-۱۹۴۱. (عکس: NAC)

General Władysław Anders (Commander of the Polish Army in the USSR) and Col Leopold Okulicki (Chief of Staff of the Polish Army in the USSR) in General Anders's office, 1941-42 (Photo: NAC)

سربازان لهستانی در حال نفس تازه کردن پس از انجام رزمایش، جلال آباد، قرقیزستان، اتحاد جماهیر شوروی، فوریه ۱۹۴۲ (عکس: ویکتور اوستورفسکی؛ موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدایی بنیاد مرکز KARTA)

Polish soldiers taking a breather after exercises, Jalal-Abad, Kyrgyzstan, USSR, February 1942 (Photo: Wiktor Ostrowski; Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom



# ایران

## IRAN



تهران، ایران، پیش از جنگ جهانی دوم و نمایی از کوه‌های البرز (عکس: NAC)  
Tehran, Iran, before World War II and a view of the Alborz Mountains (Photo: NAC)

کرمانشاه (باختران سابق) در غرب ایران در مرز عراق (عکس از ویکی مدیا کامنز)  
Kermanshah (former Bakhtaran) in western Iran at the Iraqi border (Photo: Wikimedia Commons)



ارتباطات میان لهستان و ایران به پایان قرن ۱۵ میلادی بازمی‌گردد. مدفن فرستاده پادشاه لهستان به سوی پادشاه ایران گویای وجود این ارتباطات از دوران گذشته است. این مزار در اصفهان واقع شده است. ایران یکی از دو کشوری بود که از پذیرفتن تجزیه شدن لهستان خودداری کرد. پس از اینکه لهستان در سال ۱۹۱۸ دوباره استقلال خود را به دست آورد، ایران ماهیت و وجود دوباره آن را به رسمیت شناخت و دو کشور به آرامی شروع به بازسازی ارتباطات متقابل خود کردند. به این ترتیب روابط دیپلماتیک برقرار شد و در پی آن پیمان دوستی و قرارداد تجاری منعقد گردید. پس از آغاز جنگ بین آلمان و اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۱، ماموریت های دیپلماتیک لهستان در ایران تعطیل نشد و با اینکه لهستان یک سرزمین اشغالی بود، هر دو کشور اجازه فعالیت داشتند. همچنین در سال ۱۹۴۱ ارتش آلمان به قفقاز شمالی رسید و این موضوع می‌توانست منجر به دستیابی به کنترل منابع نفتی ایران شود. این امر هم بریتانیا و هم شوروی را مجبور به مداخله نظامی در ایران کرد. اتحاد ضد آلمان به این نتیجه رسید که ایجاد یک جبهه جدید در آسیا ضروری می‌باشد. مطابق با تصمیمات اتخاذ شده، ارتش لهستانی ای که در اتحاد جماهیر شوروی ایجاد و مستقر شد، بخش اصلی آن جبهه به شمار آمد.

Poland's bonds with Iran date back to the end of the 15th century. Traces of these contacts include a grave of the Polish king's envoy to the Persian Shah, located in Isfahan. Persia was one of the two countries that refused to accept the Partitions of Poland. After Poland regained independence in 1918, Persia recognised its rebirth and the two countries slowly started rebuilding their mutual connections. Diplomatic relations were established, which was followed by a treaty of friendship and a trade agreement. After the war between Germany and the Soviet Union started in 1941, Polish diplomatic missions in Iran were not shut down but they were allowed to operate even though Poland was an occupied territory. Also in 1941 the German army reached the North Caucasus, which could have led to them seizing control of Iranian oil resources. This forced both the United Kingdom and the Soviet Union to lead a military intervention in Iran. The anti-German alliance decided it was necessary to create a new front in Asia. The Polish Army created and stationed in the USSR was to be a core part of that front.

کوه دماوند، کوهی آتشفشانی در کوه‌های البرز، بلندترین قله ایران (عکس: ALAMY)  
Mount Damavand, a volcano in the Alborz Mountains, the highest peak of Iran (Photo: ALAMY)



# در آن سوی دریا

## ON THE OTHER SIDE OF THE SEA

در سال ۱۹۴۲ در نتیجه تصمیمات و برنامه ریزی های بین المللی، مردم لهستان از اتحاد جماهیر شوروی به شمال ایران فرستاده شدند. ارتشی که پیش از این در اتحاد جماهیر شوروی اقامت داشت در کراسنووودسک (جمهوری سوسیالیستی شوروی ترکمن - TSSR) مستقر بود، به نقطه شروع ادیسه رهایی لهستان تبدیل گشت. این همان مکانی بود که سربازان لهستانی از آن به بندر پهلوی در ایران (امروز با نام بندرانزلی) در دریای خزر منتقل شدند. هزاران غیرنظامی از جمله تعداد زیادی کودک به همراه این ارتش بودند و پس از گذراندن دوران تبعید در محیطی غیرانسانی از نظر جسمی و روحی خسته شده بودند. برای بسیاری از آنها رفتن به بندر انزلی تنها شانس برای زنده ماندن بود. به این ترتیب اردوگاه بزرگی در بندر انزلی ایجاد شد تا لهستانی هایی که به ایران فرستاده شده بودند، در آن اسکان یابند. تعداد کمی از مردم از طریق زمین و از شهر عشق آباد (TSSR) به شهرمشهد در ایران منتقل شدند. قرار بود که پیش از اوایل سپتامبر ۱۹۴۲ ارتش به کشور همسایه یعنی عراق منتقل گردد. در کل تقریباً ۱۲۰ هزار شهروند لهستانی به ایران آمدند و این تعداد شامل ۷۵ تا ۷۸ هزارسرباز از چندین لشکر بود. برخی از لهستانی ها تا پایان جنگ در ایران ماندند.

In 1942, in the result of international arrangements, Polish people were evacuated from the USSR to northern Iran. The army previously staying in the USSR was stationed in Krasnovodsk (Turkmen Soviet Socialist Republic - TSSR), which became the starting point for the Polish odyssey of freedom. This was the place from which Polish soldiers were transported to the main Iranian port of Pahlevi (Bandar-e Anzali) at the Caspian Sea. The army was accompanied by thousands of civilians, including children, who were physically and mentally exhausted after banishment to the inhuman land. For many of them that was the only chance to survive. A large camp for the evacuated Poles was created in Pahlevi. A small number of people was transported by land from Ashgabat (TSSR) to Mashhad, Iran. Before early September 1942 the army was being transported to neighbouring Iraq. All in all, almost 120,000 Polish citizens came to Iran, including 75,000 to 78,000 soldiers from several divisions. Some Poles remained in Iran until the end of the war.



📌 زنان و کودکان در یک پناهگاه. بندر انزلی، آوریل ۱۹۴۲ (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدایی بنیاد مرکز KARTA)

Women and children in a shelter. Pahlevi, Iran, April 1942 (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)

📌 گروهی از سربازان لهستانی پس از ورود به ایران (عکس: NAC)

A group of Polish soldiers after arriving to Iran (Photo: NAC)





# زندگی جدید

## NEW LIFE



☞ کودکان لهستانی در تهران سوار بر کامیون صلیب سرخ (عکس از موسسه یوزف پیوسودسکی آمریکا)

Polish children in Tehran on an American Red Cross truck (Photo: Józef Piłsudski Institute of America)



☞ عیادت ژنرال وادیسواف آندرس در بیمارستان نظامی ایران (عکس از موسسه یوزف پیوسودسکی آمریکا)

Visit of General Władysław Anders in an Iranian military hospital (Photo: Józef Piłsudski Institute of America)

هنگامی که لهستانی‌ها به ایران رسیدند، دچار سوء تغذیه بودند و در معرض ابتلا به بیماری‌های مختلف قرار داشتند، در نتیجه به مراقبت‌های جامع پزشکی نیاز داشتند. پرجمعیت‌ترین گروه مهاجران لهستانی (حدود ۳۰ هزار نفر) به تهران منتقل شدند و اردوگاه‌هایی جهت اسکان آنها در تهران ایجاد شد. بزرگترین بیمارستان جهت استفاده برای غیرنظامیان در ساختمانی راه اندازی شد. مهمان‌نوازی مردم ایران و کمک‌های بی‌دریغ آنها بسیار ارزشمند بود.

پس از گذراندن دوران تبعید بسیار سخت و اقامت در اتحاد جماهیر شوروی، کودکان لهستانی به اصفهان منتقل شدند. اصفهان، که سابقاً بر این پایتخت ایران بود، به پناهگاهی منحصر به فرد برای کودکان لهستانی تبدیل گشت؛ کودکانی که نیازمند کمک و آرامش بودند.

When Polish people came to Iran, they were undernourished and prone to various diseases, requiring comprehensive medical care.

The largest group of Polish emigrants (about 20,000) was brought to Tehran, prompting the creation of residential camps. The biggest hospital for civilians was set up in buildings provided by the Shah. Iran's hospitality and the selfless assistance of the Iranians were invaluable.

Isfahan, former capital city, became a unique shelter for Polish children looking for help and rest after destructive banishment and stay in the Soviet Union.

☞ کودکان در دیدار با استانیسواف کوت، سفیر لهستان، تهران، ایران، نوامبر ۱۹۴۲ (عکس از ستوان اوستروفسکی، موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدای بنیاد مرکز KARTA)

Children during a meeting with Polish ambassador Stanisław Kot. Tehran, Iran, November 1942 (Photo: lieutenant Ostrowski, Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)





# پناهگاهی امن

## SAFE HAVEN

پیاده شدیم. و آنچه را که دیدم، باور نمی کردم [...] -  
احساس می کردم از جهنم به بهشت رسیده بودم.

رومانا دانوتا استازیک-کوتوینسکا  
(Dzieci Isfahanu [کودکان اصفهان]، ثبت در موزه تاریخ لهستان)

*We disembarked. And what I saw - I couldn't believe  
my eyes [...] - I felt like I got from hell to paradise*

Romana Danuta Starzyk-Kotwińska,  
Dzieci Isfahanu [Children of Isfahan],  
recording for The Polish History Museum

یک لهستانی به همراه نوه هایش از اتحاد جماهیر شوروی به  
تهران آمد (عکس در مالکیت عمومی)

A Pole evacuated from the USSR with her grandchildren in Tehran  
(Photo: public domain)



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom



# زندگی روزمره

## DAILY LIFE



اردوگاه شماره ۲ برای پناهندگان لهستانی. ماشین های آتش نشانی در مقابل ساختمان در حال سوختن هستند. نردبان هایی به دیوارها تکیه داده شده و سربازان بر روی پشت بام در حال نجات افراد موجود در ساختمان هستند. تهران، ایران، ۱۹۴۲ (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدایی بنیاد مرکز KARTA)

Camp no. 2 for Polish refugees. Fire engines in front of the burning building with ladders against the walls, soldiers rescuing the house on the roof. Tehran, Iran, 1942 (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)

با بهبود شرایط زندگی، فعالیت های اجتماعی لهستانی ها شکوفا شد. آنها چندین پرورشگاه، مهدکودک، مدرسه (دیستان و دیپرستان)، انجمن (به عنوان مثال انجمن پیشاهنگان) و حتی احزاب سیاسی ایجاد کردند. لهستانی ها دوره های آموزش زبان و ارتقاء مهارت ها را راه اندازی کرده و مطبوعات مخصوص لهستانی چاپ کردند. دانشمندی که از دانشگاه های لهستان آمده بودند و در جامعه مهاجران حضور داشتند، سخنرانی هایی را با همکاری دانشگاه های ایران برگزار کردند. علاوه بر این، انجمن ایران شناسی نیز تأسیس شد. علیرغم تفاوت های فرهنگی و مذهبی، لهستانی ها ارتباطات خود را با ایرانیان گسترش دادند. آنها شروع به کشت و گذار در ایران کردند و سفرهای تفریحی برنامه ریزی کردند و در جامعه مشغول به کار شدند. اکثریت قریب به اتفاق شهروندان لهستانی (بیش از ۲۳ هزار نفر) در طول جنگ ایران را ترک کردند و به کشورهای دیگر رفتند. با این حال، برخی از لهستانی ها حتی پس از پایان جنگ در ایران ماندند.

As the living conditions were improving, Polish social activity flourished. They created orphanages, kindergartens, schools (primary and secondary), associations (e.g. scouts) and even political parties. Language learning and upskilling courses were organised, Polish press was printed. Scientists from Polish universities staying within the emigration community organised open lectures, also in collaboration with Iranian universities. The Society for Iranian Studies was founded. Despite cultural and religious differences, Polish people were developing contacts with the Iranians. They were exploring the region, organising sightseeing trips, taking up jobs. The vast majority of the Polish citizens (over 23,000) left Iran during the war and went to other countries. Some Poles, however, stayed even after the war ended.

تصویر یک داوطلب از خدمات نظامی کمکی زنان که در حال کار کردن در یک تعمیرگاه است. تهران، ایران، سپتامبر ۱۹۴۲ (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدایی بنیاد مرکز KARTA)

A volunteer of the Women's Auxiliary Service working in a garage. Tehran, Iran, September 1942 (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)

یک آشپزخانه در اردوگاهی در تهران، ایران، ۱۹۴۲ (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدایی بنیاد مرکز KARTA)

A camp kitchen. Tehran, Iran, 1942 (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)



پختن سوپ در آشپزخانه اردوگاه. بندر انزلی، ایران، آوریل ۱۹۴۲ (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدایی بنیاد مرکز KARTA)

Cooking soup in the camp kitchen. Pahlevi, Iran, April 1942 (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)





# مناطق

## LOCATIONS



اردوگاه ارتش لهستان در ایران، ۱۹۴۲ (عکس: NAC)  
A camp of the Polish army in Iran, 1942 (Photo: NAC)

For the Polish people evacuated from the USSR, Iran was a stage on their long journey back home. Many of them went to other countries that served as stops on the trail of hope. The vast majority, exhausted by the stay in the Soviet Union and ravaged by diseases, was not able to enjoy freedom and never returned home. They stayed in that hospitable land forever. Traces left by Poles in Iran include numerous graves in many local graveyards.

برای آن دسته از مردم لهستان که از اتحاد جماهیر شوروی خارج شده بودند، زندگی در ایران یکی از مراحل بود که در طول این سفر طولانی تا زمان بازگشت به میهن باید طی می کردند. بسیاری از آنها بعد از ایران به کشورهای دیگر رفتند و به این ترتیب در طول مسیر خود به سوی امید، در ایستگاه هایی توقف کردند. بسیاری از لهستانی هایی که از زندگی در اتحاد جماهیر شوروی شدیداً خسته شده بودند و ایتلا به بیماری های مختلف حساسی آنها را از پا درآورده بود، نتوانستند آن طور که باید از آزادی لذت ببرند و هرگز به میهن بازنگشتند. آنها برای همیشه در آن سرزمین مهمان نواز ماندند. از جمله نشانه های باقی مانده از حضور لهستانی ها در ایران، مزارهای متعدد در بسیاری از آرامستان ها در شهرهای مختلف است.



کودکان لهستانی با لباس فرم در اردوگاه تهران (عکس از موسسه یوزف پیوسودسکی آمریکا)

Polish children in uniforms in a Tehran camp (Photo: Józef Piłsudski Institute of America)





# اصفهان

## ISFAHAN



دروازه ورودی مسجد سید، ۱۹۱۹-۱۹۳۷ (عکس: NAC)

The entrance gate to the Seyyed Mosque, 1919-1937 (Photo: NAC)

Isfahan, former capital city of the Persian Empire, situated higher than Tehran (1554 m.a.s.l.), a mountain city full of trees, offered rest to many Polish people, especially children. They were immensely impressed with it. The sound of forged metal reverberating with ornament production, which Isfahan was famous for, view of bazaars or signing of muezzins stayed with them forever. Mosques, palaces remembering the times of the Safavid dynasty ruling centuries ago, and Armenian churches - evidence of Christian life in this area and the city's multicultural history - they all seemed monumental and exotic to the newcomers.

اصفهان، پایتخت سابق کشور ایران، واقع در ارتفاعی بالاتر از تهران (۱۵۵۴ متری از سطح دریا)، شهری کوهستانی و پر دار و درخت بود و برای بسیاری از لهستانی‌ها، به ویژه کودکان، آرامش و آسایش به ارمغان آورد. لهستانی‌ها به شدت تحت تأثیر شهر اصفهان قرار گرفتند. صدای طنین انگیز چکش مسگران که لوازم تزئینی درست می‌کردند، منظره بازارهای اصفهان و یا صدای مؤذن‌ها برای همیشه در خاطر مردم لهستان ماندگار شد. مساجد، کاخ‌هایی که از دوران حکومت سلسله صفویه در قرن‌ها پیش باقی مانده بودند و کلیساهای ارمنی - شواهدی از زندگی مسیحی در این منطقه و تاریخچه چندفرهنگی بودن این شهر - همگی از دید تازه واردان لهستانی، به بادماندن، عجیب و رازگونه به نظر می‌رسیدند.

مسجد امام در میدان نقش جهان، ۱۹۱۹-۱۹۳۷ (عکس از آرشیو دیجیتال ملی)

The Shah Mosque, also known as the Royal Mosque, at the Naghsh-e Jahan Square, 1919-1937 (Photo: NAC)



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom



# در سرزمینی در دوردست ها

## FROM A FARAWAY LAND



در ۱۰ آوریل ۱۹۴۲ اولین گروه لهستانی‌ها (۲۵۰ نفر) با اتوبوس و از طریق جاده کوهستانی تهران به اصفهان آمدند. مراکز نگهداری جدید برای مراقبت از صدها کودک لهستانی در سراسر شهر ایجاد شد. به لطف حسن نیت ایران و ابتکاراتی که دیپلمات‌های لهستانی، کلیساهای واتیکان، کاتولیک، انگلیکان و ارمنی ارائه دادند و همچنین با حمایت سایر کشورها، پناهندگان لهستانی‌هایی به صورت حرفه ای تحت مراقبت قرار گرفتند و از آنها پذیرایی شد. تعداد لهستانی‌ها در اصفهان ۲۶۰۰ نفر بود. پنج مرکز در خیابان اصلی چهار باغ قرار داشت. ایران از هر مرحله از اسکان لهستانی‌ها حمایت و پشتیبانی به عمل آورد. پس از مدت‌ها، برای اولین بار بود که لهستانی‌ها مشکل تهیه غذا نداشتند و در آسایش و آرامش حال و احوالشان بهبود می‌یافت و می‌توانستند در بیمارستان‌هایی که مخصوص آنها ساخته شده بود، بر فرسودگی و بیماری‌هایی که دچارش شده بودند غلبه کنند.

Via the mountainous road from Tehran to Isfahan, the first group of Poles (250 people) came by buses on 10 April 1942. New nursing centres for hundreds of Polish children emerged all around the city. Thanks to the courtesy of the Shah of Iran, as well as to initiatives of Polish diplomats, the Vatican, the Catholic, Anglican and Armenian Churches, as well as with support of the British, the arriving Poles were hosted with professional care. At the peak moment, the Polish population in Isfahan amounted to 2600 people. Five centres were located at Chahar Bagh (Four Gardens) main street. The Iranian government supported the undertaking every step of the way. For the first time in a long while the Polish people were not starving, they could peacefully recover and overcome exhaustion and diseases in hospitals created specially for them.

📌 دانش‌آموزان در اردوگاه پناهندگان لهستانی. اصفهان، ایران، ۱۹۴۴ (عکس از مجموعه ادلا دوشا، ارائه شده توسط هالینا گوشچ، از منابع بنیاد مرکز KARTA)

Students in a camp for Polish refugees, Isfahan, Iran, 1944 (Photo from Adela Dusza's collection, provided by Halina Guśc, resources of The KARTA Center Foundation)

📌 دانش‌آموزان پیش‌دیرستان، اصفهان، ایران، اکتبر ۱۹۴۳ (عکس به اشتراک گذاشته شده توسط ایرنا گودین، مجموعه بنیاد مرکز KARTA)

Junior school students, Isfahan, Iran, October 1943 (Photo shared by Irena Godyń, collection of The KARTA Center Foundation)



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom



# یک زندگی جدید

## A NEW LIFE



✎ ناتالیا دوبووتسکا به همراه دخترانش باربارا، هانا و کریستینا؛ اصفهان، ایران، ۱۹۴۳ (عکس از مجموعه باربارا هولانیتسکا، از منابع بنیاد مرکز KARTA)  
Natalia Dubowska with daughters Barbara, Hanna and Krystyna; Isfahan, Iran, 1943  
(Photo from Barbara Hulanicka's collection, resources of The KARTA Center Foundation)



✎ دانش آموزان کلاس اول دبستان، اصفهان، ایران، ژانویه ۱۹۴۳ (عکس از زیگمونت کلمنشچویچ، از منابع بنیاد مرکز KARTA)

First graders of a primary school, Isfahan, Iran, January 1943 (Photo by Zygmunt Klemensiewicz, resources of the KARTA Center Foundation)

به لطف تلاش‌های واتیکان، کلیسای انگلیکن و دیپلمات‌های لهستانی، کودکان لهستانی وارد اصفهان شدند و ایران با درک وضعیت و موقعیتی که لهستانی‌ها در آن قرار داشتند، از آنها حمایت کرد. مراکز نگهداری جدید توسط فرستاده کلیسای انگلیکن، دختران خیره فرانسوی سنت وینسنت دو پل و سالیسیان سونیزی دون بوسکو افتتاح شدند. بیست و یک خوابگاه مختلف در «شهر کودکان لهستانی» راه اندازی شد. این خوابگاه‌ها محل زندگی و تحصیل کودکان لهستانی بودند. اردوگاه‌های لهستانی موجود در اصفهان با دیگر مراکز متفاوت بود، به این ترتیب که بسیار خوب سازماندهی شده بود و فرصت آموزش و رشد فرهنگی را برای ساکنینش فراهم می‌کرد. بچه‌ها می‌توانستند در جشن‌ها و نمایشها شرکت کنند و به سفر بروند. بنابراین برای اولین بار پس از مدت‌ها توانستند غذای کافی، لباس مناسب و شرایط زندگی راحت و آرام را تجربه کنند. چندین مهدکودک و مدرسه لهستانی (دبستان، دبیرستان، حرفه‌ای) در اصفهان راه‌اندازی شد و با وجود کمبود کتاب‌های درسی، این مدارس شرایط فراهم کرد تا آموزش و تحصیل دوباره از سر گرفته شود. علاوه بر این، تعداد اعضای انجمن‌ها، کلوبها و دوره‌های آموزشی افزایش یافت. استانداردهای جدید زندگی باعث شد وضعیت جسمی و روحی کودکان بهبود یابد.

Polish children arrived in Isfahan thanks to efforts of the Vatican, the Anglican Church and the Polish diplomats, and they were treated by the Iranian government with understanding and support. New nursing centres were opened by the Anglican Church mission, French Daughters of Charity of Saint Vincent de Paul and Swiss Salesians of Don Bosco. Twenty-one different dormitories were set up in the "city of Polish children." The children were not only living, but also studying there. The Polish camp in Isfahan was different from other centres. It was very well organised and offered its members the opportunity of education and cultural growth. Children participated in celebrations and performances, were going for trips. For the first time in a long while they had enough food, proper clothes and comfortable living conditions. The city developed Polish kindergartens and schools (primary, secondary, vocational), which supplemented their neglected education, despite lack of textbooks. Moreover, various societies, clubs and courses were attracting new members. The new standard of living helped the children to improve their physical and mental condition.

✎ معلمان دبیرستان به همراه دانش‌آموزان سال آخر. اصفهان، ایران، ماه مه ۱۹۴۶ (عکس به اشتراک گذاشته شده توسط ایرنا گودی، از منابع بنیاد مرکز KARTA)

Junior school teachers with final-year students; Isfahan, Iran, May 1946 (Photo shared by Irena Godyń, resources of The KARTA Center Foundation)





# رسوم و فرهنگ

## TRADITION AND CULTURE

جمعیت لهستانی موجود در اصفهان که بیشتر شامل کودکان و نوجوانان بود، به آمیزه ای از فرهنگ و مذهب موجود در اصفهان که تقریباً نیمی از ساکنانش ایرانی بودند، پیوست.

ماهیت چندفرهنگی شهر با وجود مساجد متعدد، کنیسه و حتی کلیسای کاتولیک آیین ارمنی به وضوح قابل مشاهده بود. یهودیان و ارمنه در مناطق مختلف شهر ساکن بودند و ارتباط خوبی با مسلمانان داشتند. همزیستی پایدار ادیان مختلف در این شهر منجر به پذیرش فرهنگ و مذهب مردم لهستان شد و لهستانی ها نیز خود را با آداب و رسوم محلی سازگار کردند. برخی از مراکز نگهداری لهستانی ها در محله ارمنه در جلفا واقع شده بود. ارمنه تا به امروز از آرامستان های لهستانی در اصفهان نگهداری کرده اند.

The Polish population, dominated by children and teenagers, became a part of the Isfahan life. It complemented the cultural and religious mosaic of a city where almost a half of the inhabitants were Persians.

The multicultural nature of the city was emphasised by numerous mosques, synagogues, and even the Catholic Church of the Armenian Rite. Local Jews and Armenians were inhabiting different districts, living in harmony with Muslims. Stable coexistence of various religions fostered acceptance of the culture and religion of Polish people, who adapted to local customs. Some nursing centres for Poles were located in the Armenian quarter called Julfa. Armenians have been taking care of the Polish graves in Isfahan to this day.



اعضای یک سازمان جوانان حرفه ای سابق لهستان یا خدمات نظامی کمکی زنان سوگند یاد می کنند. اصفهان، ایران، فوریه ۱۹۴۳ (عکس از Zygmunt Klemensiewicz، منابع بنیاد مرکز KARTA)

Members of a former Polish vocational youth organization or Women's Auxiliary Service are taking an oath. Isfahan, Iran, February 1943 (Photo by Zygmunt Klemensiewicz, resources of The KARTA Center Foundation)



استانیسواف کوشیالکوفسکی - مورخ، استاد دانشگاه استفان باتوری ویلنیوس، در سال ۱۹۴۱ دستگیر و به اتحاد جماهیر شوروی تبعید شد. او در سال ۱۹۴۲ اتحاد جماهیر شوروی را ترک کرد و به خاورمیانه رسید. او در تهران و بیروت فعالیت های فرهنگی، انتشاراتی و آموزشی را سازماندهی کرد. وی در سال ۱۹۵۰ به انگلستان رفت و در آنجا در دانشگاه لهستانی در خارج، در لندن تدریس کرد. اصفهان، ایران، ۱۹۴۳ (عکس به اشتراک گذاشته شده توسط اوا و استفان پتروسویچ، از منابع بنیاد مرکز KARTA)

Stanisław Kościelkowski - historian, professor of The Stefan Batory Vilnius University, arrested in 1941 and deported to the USSR. He left the Soviet Union in 1942 and reached the Middle East. He was organising cultural, publishing and education activities in Tehran and Beirut. He left for England in 1950, where he was lecturing at The Polish University Abroad in London. Isfahan, Iran, 1943 (Photo shared by Ewa and Stefan Petrusiewicz, resources of The KARTA Center Foundation)

فرزندان ما با علاقه و استقبال گرمی روبرو شدند. از لحاظ جسمی در وضعیت خوبی هستند. چهره هایشان خندان است، [...] هم سن و سالان ایرانی به آنها خوش آمدگویی می کنند. بعد از ده ساعت رانندگی به قلب ایران یعنی اصفهان نزدیک می شویم.

پیوتر پیالوچا، اصفهان. Ośrodek najmłodszej emigracji polskiej (اصفهان. مرکز جوانترین مهاجران لهستانی)، «Polak w Iranie» (لهستانی ها در ایران) ۱۹۴۲، شماره ۴

*Our children are met with interest and warm welcome. They are in shape. Smiling faces, [...] They are greeted by Iranian peers. After an over ten-hour drive we are approaching the heart of Persia: Isfahan.*

Piotr Piałucha, Isfahan. Ośrodek najmłodszej emigracji polskiej (Isfahan. Centre of the Youngest Polish Emigration), "Polak w Iranie" (Poles in Iran) 1942

مردم لهستان در محراب محله جلفا در جشن کورپوس کریستی. اصفهان، ایران، ۱۹۴۴-۱۹۴۵ (عکس به اشتراک گذاشته شده توسط ایرنا گودین، از منابع بنیاد مرکز KARTA)

Polish people at the altar in the Julfa quarter during Corpus Christi celebration; Isfahan, Iran, 1944-1945 (Photo shared by Irena Godyń, resources of The KARTA Center Foundation)





# پیشاهنگان

## SCOUTS



📍 نیروهای پیشاهنگ لهستانی در حال رفتن به سوی آرامستان، اصفهان، ایران، نوامبر ۱۹۴۴ (عکس به اشتراک گذاشته شده توسط ایرنا گودین، منابع بنیاد مرکز KARTA)

Polish scout troops on their way to a cemetery. Isfahan, Iran, November 1944 (Photo shared by Irena Godyń, resources of The KARTA Center Foundation)

تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان به پیشاهنگان پیوستند. پیشاهنگان تشکیلاتی با قدمتی طولانی بودند که نگرش‌های اجتماعی را همراه با روحیه میهن پرستانه شکل می‌دادند. جوخه‌های دختر و پسر با جمعیتی در حدود ۲۰۰۰ نفر پیشاهنگ و پیشاهنگ کاب اسکات به هم پیوستند و چندین گروه ایجاد شد. شعبه ایرانی انجمن پیشاهنگان و هدایت کنندگان لهستانی که بعداً به یک هنگ تبدیل شد، در سال ۱۹۴۳ به منظور اداره این تشکیلات تأسیس گشت. گروهی نیز در اصفهان ایجاد شد. مراسم تقدیس پرچم ۳ بانوان در اصفهان تجربه فوق العاده‌ای بود که احترام و عشق به کشور را با ارزش‌های سنتی در هم آمیخت.

A huge number of children and teenagers joined the scouts: an organisation with a long tradition which was shaping social attitudes within patriotic spirit. Male and female squads assembled into troops with almost 2,000 scouts and Cubs. The Iranian Branch of the Polish Scouting and Guiding Association, later transformed into a regiment, was set up in 1943 in order to run the organisation. One troop was also created in Isfahan. The consecration of the flag of the female squad in Isfahan was a tremendous experience, combining respect and love for their country with traditional values.



📍 صلیب پیشاهنگی ساخت ایران (عکس از مجموعه توماش شیکورسکی)

A scout cross manufactured in Iran (photo from Tomasz Sikorski's collection)

📍 پیشاهنگان، از سمت چپ: ایرنا یوحنویچ (بعد از ازدواج با نام گودین)، یادویگا ویسوتسکا و یادویگا سورویاک. اصفهان، ایران ۱۹۴۳-۱۹۴۵ (عکس به اشتراک گذاشته شده توسط ایرنا گودین، از منابع بنیاد مرکز KARTA)

Scouts, from the left: Irena Juchniewicz (married as Godyń), Jadwiga Wysocka and Jadwiga Surowiak. Isfahan, Iran 1943-1945 (Photo shared by Irena Godyń, resources of The KARTA Center Foundation)



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom



# مراکز لهستانی در اصفهان

## POLISH PLACES IN ISFAHAN

کودکان لهستانی ابتدا در مناطق شمالی اصفهان اسکان داده شدند. آنها با کمک یک فرستاده فرانسوی از دختران خیریه سنت وینسنت دو پل و سالیسیان سوئیسی دون بوسکو توانستند در این شهر سرپناه پیدا کنند. ورود مهاجران لهستانی که بیشتر آنها کودک بودند منجر به راه اندازی ۲۱ مرکز نگهداری در امتداد خیابان اصلی شهر به نام چهارباغ و در جنوب زاینده رود در محله جلفا شد. در بخش جنوبی شهر، یک کلیسای جامع و آرامستان آرامنه با بخش ویژه لهستانی ها قرار داشت.

Polish children were initially accommodated in northern districts of Isfahan. They found shelter with a French mission of the Daughters of Charity of Saint Vincent de Paul and with Swiss Salesians of Don Bosco. The inflow of transports with children led to setting up 21 nursing centres located along Chahar Bagh (Four Gardens) main city road, and to the south of the Zayandeh river in the Julfa quarter. The southern part of the city included an Armenian cathedral and cemetery with a specially designated Polish section

📍 یادگاری از اقامت در ایران (عکس از آرشیو وابسته به پاپ، مؤسسه مطالعات کلیسایی در رم)

A memento of the Iranian stay (Photo from the Pontifical Archive of the Institute of Ecclesiastical Studies in Rome)



📍 کلیسای نجات دهنده مقدس یا کلیسای وانک در اصفهان، متعلق به کلیسای حواری ارمنی (عکس از دیگو دلسو، ویکی‌مدیا کامانز)

The Holy Savior Cathedral in Isfahan, belonging to the Armenian Apostolic Church (Photo by Diego Delso, Wikimedia Commons)



### نقشه اصفهان ۱۹۴۲-۱۹۴۵

Plan of Isfahan, 1942-1945

🏠 مراکز مراقبت از کودکان لهستانی تخلیه شده از اتحاد جماهیر شوروی  
Care centers for Polish children evacuated from the USSR

مراکز نگهداری در اصفهان به عنوان سرپناه، آموزشگاه و اقامت کودکان لهستانی مورد استفاده بودند. در اینجا و تحت مراقبت مربیان بزرگسال، سنت های لهستانی پرورش داده شده و تعطیلات و سالگردهای لهستانی جشن گرفته شدند. در این مکان ها زندگی همراه با علاقه به وطن و توجه مذهب در جریان بود.

Nursing homes in Isfahan were places of shelter, education and rest for Polish youth. Here, under the care of adult educators, Polish traditions were cultivated, Polish holidays and anniversaries were celebrated. These facilities were centers for patriotic and religious life.



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom



# ترک اسارتگاه

## OUT OF THE HOUSE OF BONDAGE



سربازان ارتش لهستان در سمت شرق و در راه رزمایش نظامی (عکس: AIPN)

Soldiers of the Polish Army in the East on their way to military exercises (Photo: AIPN)

کودکانی که به ارتش آندرس راه یافتند. Vrevskaya, ازبکستان، اتحاد جماهیر شوروی، ماه می. (عکس: ویکتور اوستروفسکی؛ موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدایی بنیاد مرکز KARTA)

Children who made it to the Anders' Army. Vrevskaya, Uzbekistan, USSR, May 1942 (Photo: Wiktor Ostrowski; Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)

گروهی از تبعیدیان لهستانی در حال استراحت در مرز بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران، ۱۹۴۲. (عکس: موسسه یوزف پیوسودسکی آمریکا)

A group of Polish exiles taking a rest on the border between the USSR and Iran, 1942 (Photo: Józef Piłsudski Institute of America)

در سال ۱۹۴۲، ارتش آلمان حدود ۱۵۰ کیلومتر از مسکو فاصله داشت و خط جبهه از لنینگراد در شمال تا روستوف-نا-دونو در جنوب کشیده شده بود. پنهان کردن قتل هزاران سرباز لهستانی در کاتین روز به روز برای شوروی دشوارتر می‌شد. نیروهای تازه تشکیل شده لهستانی فاقد تدارکات اولیه بودند و نیروهای نظامی دیگر توسط مقامات شوروی به حالت تعلیق درآمدند. لهستانی‌ها در حال تبدیل شدن به متحدی دردسرساز برای اتحاد جماهیر شوروی بودند. به دلیل نبود جیره غذایی برای واحدهای لهستانی، مذاکرات جهت تخلیه از اتحاد جماهیر شوروی به ایران آغاز شد. در مارس ۱۹۴۲، دولت شوروی با تخلیه تعدادی از سربازان و غیرنظامیان لهستانی که در ارتش باقی مانده بودند، موافقت کرد. اما تصمیم نهایی برای جایابی کل ارتش لهستان در ماه اوت گرفته شد. تخلیه افراد تا اوایل سپتامبر ۱۹۴۲ ادامه یافت. لهستانی‌ها بسیار خوشحال بودند. خیلی از خانواده‌ها با موفقیت نجات یافتند. با این حال راه رسیدن به خانه تازه شروع شده بود. غیرنظامیان در چهار قاره سرپناه یافتند و به شرق آفریقا، هند، مکزیک و نیوزلند منتقل شدند. البته بسیاری از شهروندان لهستانی نتوانستند تخلیه شوند و در اتحاد جماهیر شوروی باقی ماندند. برخی در صفوف ارتش و تحت فرماندهی کامل شوروی به لهستان بازگشتند، اما برخی دیگر سال‌ها پس از اتمام جنگ توانستند به لهستان برگردند.

In 1942, the German armies were around 150 km away from Moscow, the line of the front stretching from Leningrad in the north to Rostov on Don in the south. The Soviets were finding it increasingly difficult to conceal the murder of thousands of Polish soldiers in Katyn. The freshly formed Polish troops lacked basic supplies, and further drafts were suspended by the Soviet authorities. Poles were turning into an increasingly troublesome ally for the USSR. Due to the lack of food rations for the Polish units, talks on evacuation from the USSR to Iran began. In March 1942, the Soviet government agreed to the evacuation of some Polish soldiers and civilians remaining with the army. The decision to move the entire Polish army was only reached in August. Evacuation continued until early September 1942. Poles were overjoyed. Many whole families were successfully saved. Yet the way home had only begun. Civilians found shelter on four continents, reaching East Africa, India, Mexico, and New Zealand.

Nonetheless, many Polish citizens could not evacuate and remained in the USSR. Some returned to Poland in the ranks of an army under full Soviet command, while others could only return many years after the war.





# از فلسطین تا بولونیا

## FROM PALESTINE TO BOLOGNA



▣ سربازان لهستانی تیپ دوم زرهی در کنار هرم خفرع، جیزه، مصر، ۱۹۴۳. (عکس: NAC)

The Polish army was transported to the Italian front from the Egyptian sea ports. Polish soldiers of 2nd Armoured Brigade by the Pyramid of Khafre. Giza, Egypt, 1943 (Photo: NAC)

▣ ژنرال وادیسواف آندرس با افسران همراه، خرابه‌های صومعه مونته کاسینو در پس زمینه قابل مشاهده است. کاسینو، ایتالیا، ماه مه ۱۹۴۴. (عکس: فلیتسیان مالینیاک؛ موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، هدایی بنیاد مرکز KARTA)

General Wladyslaw Anders with accompanying officers. Ruins of the Monte Cassino Monastery visible in the background. Cassino, Italy, May 1944 (Photo: Felician Maliniak; Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)

در سفری که فرمانده عالی ارتش به خاورمیانه داشت، تصمیم بر آن شد که در ژوئن ۱۹۴۳ بخشی از ارتش لهستان در شرق به سپاه دوم لهستان تبدیل شود. یگان‌های نظامی در فلسطین تحت سرپرستی بریتانیا سازماندهی و آموزش داده شدند. سربازان سپاه دوم لهستان در نبرد ایتالیا جنگیدند. در این نبرد نیروهای متفقین از اوایل سال ۱۹۴۴ سعی در شکستن مواضع مستحکم آلمان داشتند. جاده رم از میان گذرگاه‌های کوهستانی باریک‌ترین گردنه شبه جزیره ایتالیایی می‌گذشت. پس از تلاش‌های ناموفق بسیاری از نیروهای آمریکایی، بریتانیایی، فرانسوی، نیوزیلندی و هندی، این لهستانی‌ها بودند که موفق به شکستن سد دفاعی و تصرف مونته کاسینو در ماه می سال ۱۹۴۴ شدند.

سربازان لهستانی برای نبرد به پیدیمونته سان جرمانو رفتند. جنگ تا امتداد ساحل دریای آدریاتیک کشیده شد و سرانجام در ۱۸ ژوئیه لهستانی‌ها شهر آنکونا را آزاد کردند. داستان سفر نظامی ارتش آندرس با آزادسازی بولونیا در ۲۱ آوریل ۱۹۴۵ به پایان رسید.

The decision to transform part of the Polish Army in the east into the Polish II Corps was made in June 1943, during a visit of the supreme commander to the Middle East. The units were reorganised and trained in British Palestine. The soldiers of Polish II Corps fought in the Italian Campaign, where the Allied troops tried to break through the strongly fortified German positions from early 1944. The road to Rome led through the mountain passes of the narrowest neck of the Apennine Peninsula. After many failed attempts by American, British, French, New Zealand, and Indian forces, it was the Poles who succeeded in breaking down the defences and capturing Monte Cassino in May 1944.

The Polish troops went on to fight at Piedimonte San Germano, and later along the Adriatic Shore, where they liberated Ancona on 18 July. The military passage of the Anders' Army ended with the liberation of Bologna on 21 April 1945.

▣ استقبال ایتالیایی‌ها از سربازان سپاه دوم لهستان. ژنرال کلمنس رودنیسکی، دومین نفر از سمت چپ روی خودرو ایستاده است. بولونیا، ایتالیا، ۲۱ آوریل ۱۹۴۵. (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، هدایی بنیاد مرکز KARTA)

Italians welcoming the soldiers of the Polish II Corps. Standing on the car second from the left is General Klemens Rudnicki. Bologna, Italy, 21 April 1945 (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)





# از نورماندی تا ویلهلمزهاون

## FROM NORMANDY TO WILHELMSHAVEN

لشکر یکم زرهی لهستان در ۲۵ فوریه ۱۹۴۲ در بریتانیا تأسیس شد و فرماندهی آن به ژنرال استانیسواف ماچک سپرده شد. این لشکر نفرات زیادی را در نزدیکی دهکده فلز در نورماندی از دست داد و سپس راه فرار آلمانی‌ها را در منطقه شیبوا مسدود کرد و در نتیجه دوباره متحمل تلفات سنگینی شد. فرماندهان متفقین متقاعد شده بودند که این لشکر باید از جنگ کنار برود. با این وجود، این لشکر پس از تجدید قوا، دلاورانه دشمن را وادار به عقب نشینی کرد و فرانسه، بلژیک و هلند را آزاد نمود. به تدریج شعار «اولویت برای لهستانی‌ها» در میان تمام سربازان متفقین به عنوان موضوعی شناخته شده تبدیل شد. ژنرال ماچک هنگام تصرف پیرس، استفاده از آتش توپخانه را در ایبر ممنوع کرد و جان و اموال غیرنظامیان بلژیکی و هلندی را نجات داد. وظیفه ادامه مبارزه به تکنساران سپرده شد و آنها نیز محل یگان‌های دشمن را پاکسازی کردند. مردم محلی خاطرات خوبی از تصمیمگیری او دارند. در سال ۱۹۴۵، پس از نبرد خونین در هلند، لشکر یکم زرهی لهستان وارد آلمان شد و با تصرف پایگاه دریایی ویلهلمزهاون به پیشروی نظامی خود پایان داد.

The 1st Polish Armoured Division was formed in the United Kingdom on 25 February 1942, and its command was given to General Stanislaw Maczek. The division shed a great deal of blood near Falaise in Normandy and then blocked the German escape route from the Chambois pocket, again at the cost of heavy losses. The Allied commanders were convinced it needed to be withdrawn from active fighting. Nevertheless, replenished, it participated in a daring pursuit of the enemy, liberating cities in France, Belgium, and the Netherlands. The slogan "Priority for the Poles" became known to all Allied soldiers. While capturing Ypres, General Maczek forbade the use of artillery fire in cities, saving the lives and property of Belgian and Dutch civilians. The burden of the fight was transferred to the riflemen, who cleared the territory of enemy units. The locals have fond memories of his decision. In 1945, after the bloody campaign in the Netherlands, the 1st Polish Armoured Division entered Germany, ending its battle trail with capturing the naval base of Wilhelmshaven.



ژنرال استانیسواف ماچک، فرمانده لشکر یکم زرهی (در سمت چپ عکس، در حال صحبت با میکروفون کلویی)، در تانک کرامول V از هنگ ستاد. کاپیتان تادئوش وسوتسکی در سمت راست عکس. (عکس: NAC)

General Stanislaw Maczek, commander of the 1st Armoured Division (left, talking to a laryngophone), in a Cromwell VII tank of the Staff Squadron. Captain Tadeusz Wysocki on the right (Photo: NAC)

اولین تیپ چتر نجات مستقل (لهستانی) در اکتبر ۱۹۴۱ در بریتانیا برای نبرد در لهستان تشکیل شد. این نیروها در سپتامبر ۱۹۴۴ در بزرگترین عملیات هوایی تاریخ، در نزدیکی شهر آرنهم، در قلمرو هلند اشغالی شرکت کردند. (عکس: NAC)

The 1st (Polish) Independent Parachute Brigade was formed in the UK in October 1941 to fight in Poland. Eventually, it participated in the largest airborne operation in history, conducted near Arnhem, in the territory of occupied Netherlands, in September 1944. (Photo: NAC)

نیروهای متفقین برای حمله در ساحل اوماها فرود می‌آیند. در ۶ ژوئن ۱۹۴۴ نیروی هوایی لهستان، نیروی دریایی لهستان، و نیروی دریایی بازرگانی لهستان در این نبرد شرکت کردند. (عکس: اداره بایگانی و سوابق ملی)

Allied assault troops land on Omaha Beach. The Polish Air Force, Polish Navy, and the Polish Merchant Navy participated in the operation, 6 June 1944 (Photo: National Archives and Records Administration)





# طعم تلخ پیروزی

## THE BITTER TASTE OF VICTORY

مرگ غم انگیز ژنرال وادیسواف شیکورسکی در یک سانحه هوایی در جبل الطارق در سال ۱۹۴۳ موقعیت دولت لهستان در لندن را تضعیف کرد. اقتدار جوزف استالین پس از نبرد استالینگراد افزایش یافت و به این ترتیب او به تشکیل ساختارهای یک دولت کمونیستی و مطیع در لهستان مبادرت ورزید. در فوریه ۱۹۴۵، سربازان نیروهای مسلح لهستان متوجه قطعنامه‌های کنفرانس یالتا شدند. این قطعنامه‌ها شامل الحاق لهستان به قلمرو شوروی، مصادره سرزمین کرسی و مناطق شرقی آن بود و همچنین دولت قانونی لهستان در تبعید دیگر به رسمیت شناخته نمی‌شد. این موارد منجر به بحران در روابط بین لهستان و بریتانیا شد. با این حال، نیروهای لهستانی تا زمان تسلیم آلمان به جنگ ادامه دادند. علی‌رغم موفقیت‌های چشمگیر و فراوانی که لهستانی‌ها در جبهه‌های جنگ جهانی دوم بدست آوردند و دلاوری‌ها و فداکاری‌های بسیاری که در این راه از خود نشان دادند، هیچ کدام در رژه روز پیروزی در لندن در ۸ ژوئن ۱۹۴۶ شرکت نکردند.

The tragic death of General Władysław Sikorski in a plane crash in Gibraltar in 1943 weakened the position of the Polish Government in London. With his position strengthened after the Battle of Stalingrad, Joseph Stalin began to form the structures of a future communist Polish state, obedient to him. In February 1945 the soldiers of the Polish Armed Forces learnt the resolutions of the Yalta Conference, which included incorporating Poland into the Soviet sphere of influence, forfeiting Kresy, its eastern territories, to the Soviet Union, and stripping the legal Polish government-in-exile of all authority. That information led to a crisis in Polish-British relations. However, the Polish troops went on fighting the war until the capitulation of Germany. Despite the great and numerous successes on the fronts of the Second World War and their heroism and sacrifice, Poles did not participate in the victory parade in London on 8 June 1946.

🚩 سربازان لشکر زرهی دوم در ورشو در حال ترک اردوگاه مهاجرین لهستانی در شهر آیر هستند. خدمت وظیفه سربازان در جبهه به تازگی به پایان رسیده است. یکی از آنها با لباس غیرنظامی دیده می‌شود. (عکس: NAC)

Soldiers of the 2nd Warsaw Armoured Division leave the Polish Repatriation Camp in Ayr. The soldiers have been freshly decommissioned; one if them is already wearing civilian clothing (Photo: NAC)



🚩 کنفرانس یالتا در سال ۱۹۴۵. افراد نشسته، از چپ به راست: نخست وزیر بریتانیا وینستون چرچیل، رئیس جمهور ایالات متحده فرانکلین دلانو روزولت، و رهبر شوروی جوزف استالین. (عکس در مالکیت عمومی)

The Yalta Conference in 1945. Sitting, left to right: the British Prime Minister Winston Churchill, US President Franklin Delano Roosevelt, and the Soviet leader Joseph Stalin (Photo: public domain)

🚩 رژه روز پیروزی در لندن، ۸ ژوئن ۱۹۴۶. (عکس در مالکیت عمومی)

The London Victory Parade, 8 June 1946 (Photo: public domain)





# پایان یک رویا

## THE END OF THE DREAM



سربازان نیروهای مسلح لهستان در غرب، سوار بر کشتی و در حال بازگشت به لهستان، ۱۹۴۶. (عکس از مجموعه مارچین روجینسکی؛ بنیاد مرکز KARTA)

Soldiers of the Polish Armed Forces in the West on board of a ship, returning to Poland, 1946 (Photo from the collection of Marcin Rudziński; KARTA Centre Foundation)

سپردن تیرها و پرچم‌های نیروهای مسلح لهستان در موسسه شیکورسکی (عکس: موسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، اهدایی بنیاد مرکز KARTA)

Depositing the banners of the Polish Armed Forces at the Sikorski Institute (Photo: Polish Institute and Sikorski Museum in London, courtesy of the KARTA Centre Foundation)



در بهار سال ۱۹۴۶، انگلیسی‌ها به فرماندهان لهستانی اطلاع دادند که تشکیلات نظامی می‌بایست منحل گردد. انحلال نیروهای مسلح لهستان، برخلاف موضع اتخاذ شده توسط دولت لهستان در تبعید، ادامه یافت. سپاه اسکان مجدد لهستان جهت آماده کردن سربازان برای زندگی غیرنظامی تشکیل شد. تاریخ نمادین پایان نیروهای مسلح لهستان، ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۷ بود، زمانی که برها و پرچم‌های نظامی لهستان به موسسه شیکورسکی در لندن سپرده شد. در سپتامبر ۱۹۴۶ دولت لهستان کمونیستی، تابعیت لهستانی را از افسران نیروهای مسلح لهستان، به ویژه ژنرال آندرس، ژنرال ماچک و ژنرال کوپاینسکی سلب کرد. آن دسته از سربازانی که به عنوان اولین نفرات در نبرد قهرمانانه شرکت کردند، می‌بایست تصمیم دشواری می‌گرفتند. تصمیم درباره اینکه آیا به میهن خود که تحت سلطه کمونیست بود بازگردند یا در خارج از کشور بمانند. اگر به لهستان برمی‌گشتند، حتماً تحت جاسوسی و آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. برخی تصمیم گرفتند در خارج از کشور بمانند و در همانجا برای خود خانه و زندگی دست و پا کردند و تشکیل خانواده دادند. با اینکه هنوز دلتنگ وطن خود بودند، اما پناهگاهی آرام و دور از دردسر یافته بودند. فقط تعداد کمی از آنها تا دوران آزادی و استقلال لهستان زنده ماندند.

In the spring of 1946, the British informed the Polish commanders about the need to disband the military units. The demobilisation of the Polish Armed Forces continued against the stance adopted by the Polish government-in-exile. The Polish Resettlement Corps was set up to prepare soldiers for civilian life. The symbolic date marking the end of the Polish Armed Forces was 10 July 1947, when the Polish military banners were deposited in the Sikorski Institute in London. In September 1946 the government of communist Poland stripped the officers of the Polish Armed Forces, notably generals Anders, Maczek, and Kopański of Polish citizenship.

The soldiers, quite recently proving their gallantry on the battlefield, now had to take a difficult decision: whether to return to their homeland under communist rule, or to stay abroad. In Poland, they could expect to come under surveillance and persecution. Some decided to stay abroad, where they made their homes and started families. They found a safe harbour, yet they would always miss their country. Only a few lived to see a free and independent Poland.

ورودی اردوگاه نظامی برای سربازان نیروهای مسلح لهستان در غرب، گدانسک، ۱۹۴۷. (عکس: NAC)

The gate to the Military Repatriation Camp for the soldiers of the Polish Armed Forces in the West, Gdańsk, 1947 (Photo: NAC)

WITAJCIE RODACY W WOLNEJ POLSCE



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom



## لهستانی ها در جبهه های جنگ جهانی دوم

Poles on WWII fronts

۱۹۴۰-۱۹۴۴ مسیر نبرد لشکر یکم زرهی ژنرال ماچک  
1944-1945 battle trail of General Maczek's 1st Armoured Division

حد اکثر میزان اشغال محور  
maximum extent of Axis occupation

مناطق تحت کنترل متفقین در اواخر سال ۱۹۴۲  
territories under Allied control in late 1942

کشورهای بی طرف  
neutral states

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی  
Union of Soviet Socialist Republics

۱۹۳۹ مسیرهای تخلیه سربازان لهستانی  
1939 evacuation routes of Polish soldiers

مسیر تخلیه و نبرد ارتش لهستانی ژنرال آندرس  
evacuation and battle trail of General Anders' Polish Army

۱۹۴۰ مسیر نبرد تیپ مستقل کوهستانی لهستان  
1940 battle trail of Polish Independent Highland Brigade

۱۹۴۰ مسیر نبرد دهمین تیپ سواره نظام زرهی ژنرال ماچک  
1940 battle trail of General Maczek's 10th Armoured Cavalry Brigade

۱۹۴۰-۱۹۴۱ مسیر نبرد تیپ تفنگ کاریات مستقل لهستان  
1940-1942 battle trail of Polish Independent Carpathian Rifle Brigade



«به سوی امید» خط سیر ادیسه شهروندان لهستانی در طول جنگ جهانی دوم است. لهستانی ها نسبت به عملکرد دولت قانونی جمهوری لهستان تمایل نشان دادند و به دنبال بازگشت آزادی و حاکمیت به لهستان بودند.

"Trail of Hope" is the route of the odyssey of masses of Polish citizens during the Second World War. They harkened to the activity of the legal government of the Republic of Poland, and followed the lodestar of returning freedom and sovereignty to Poland.

سربازی از لشکر زرهی دوم ورشو در کنار درخت سیب، ۱۹۴۵-۱۹۴۷ (عکس: NAC)  
A soldier of the 2nd Warsaw Armoured Division by an apple tree, 1945-47 (Photo: NAC)





# حقیقت نهفته در اعداد

## THE TRUTH IN NUMBERS

نفر - لهستانی‌هایی که در طی  
چهار موج تبعید در اتحاد جماهیر  
شوروی مستقر شدند

حدود **315 000**

ca. 315,000 – the number of Poles deported into the USSR in four big deportation campaigns

تعداد لهستانی‌هایی که همراه با ارتش  
آندرس تا ۲۵ اوت ۱۹۴۲ تخلیه شدند

**37 912**      **78 631**

نفر غیر نظامی

سربازان

78,631 soldiers and 37,912 civilians – the number  
of Poles evacuated with Anders' Army by 25 August 1942

نیروهای مسلح لهستان در ماه مه ۱۹۴۵

**3 840**      **19 400**      **170 000**

نیروی دریایی

نیروی هوایی

ارتش (یگان‌های زمینی)

Polish Armed Forces in May 1945: Navy – 3,840; Air Force – 19,400; Army – 170,000

📌 رزمایش نظامی سربازان تیپ یکم مستقل چترپاز در نیروهای مسلح  
لهستان در بریتانیا، ۱۹۴۳ (عکس: AIPN)

Military exercises of the soldiers of the 1st Independent Parachute Brigade  
of the Polish Armed Forces in the UK, 1943 (Photo: AIPN)

تلفات

**7 608**      که از این  
تعداد **43 430**

نفر در طول جنگ و یا به  
دلیل جراحات جان باختند

سرباز

losses: 43,430 soldiers, of which 7,608 died in battle and of wounds

سرباز به لهستان بازگشتند

حدود **120 000**

ca. 120,000 – the number of soldiers who returned to Poland



Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom



سربازان لشکر سوم تفنگ کارپات، پرچم لهستان را بر فراز برج‌های توره دی آسینلی، در شهر بولونیا و در سال ۱۹۴۵ به اهتزاز در می‌آورد. (عکس: NAC)  
Soldiers of the 3rd Carpathian Rifle Division put up the Polish flag on Torre di Asinelli, Bologna, 1945 (Photo: NAC)

## برپایی نمایشگاه توسط مؤسسه خاطرات ملی - کمیسیون پیگرد قانونی جنایات علیه ملت لهستان در پروژه بین المللی به سوی امید. اودیسه رهایی.



INSTITUTE OF  
NATIONAL  
REMEMBRANCE

Exhibition prepared by the Institute of National Remembrance -  
Commission for the Prosecution of Crimes against the Polish Nation  
within International Project *Trails of Hope. The Odyssey of Freedom*



Szlaki Nadziei  
Odyseja Wolności  
Wege der Hoffnung  
Odyssee der Freiheit

Пути надежды  
Одиссея свободы  
Trails of Hope  
The Odyssey of Freedom

تبدیل عکس سپاه و سفید به رنگی: Mikołaj Kaczmarek  
ویراستار: Magdalena Baj

ترجمه و تصحیح متن انگلیسی: HOBbit Piotr Krasnowolski, Martin Cahn  
این نمایشگاه از عکس‌های مراکز زیر استفاده کرده است:

آرشیو مرکزی اسناد مدرن (AAN)، آرشیو مؤسسه خاطرات ملی (AIPN)، بنیاد ژنرال الژیبتا زاوادتسکا، بنیاد مرکز KARTA، موزه جنگ سلطنتی، مؤسسه لهستانی و موزه شیکورسکی در لندن، مؤسسه یوزف پیوسودسکی آمریکا، موزه نیروی دریایی در گودنیا، موزه یادبود سیبری در بیانیستوک، موزه نیروی هوایی لهستان در دنوبلین، آرشیو دیجیتال ملی (NAC)، اداره بایگانی و اسناد ملی و مجموعه‌های خصوصی استانیسواف باسیاک و توماش شیکورسکی.

طرح و ساختار نمایشگاه: Dr Mateusz Marek  
نویسندگان نمایشگاه:

Dr Mateusz Marek, Dr Piotr Chmielowiec, Ewa Dyngosz, Jakub Izdebski  
Piotr Orzechowski, Marta Szczesiak-Ślusarek, Magdalena Wujda, Ryszard Mozgol  
طراح و گرافیست: Szymon Węglowski

بازیابی:  
Dr Piotr Chmielowiec, Professor Sławomir Kalbarczyk, Professor Jerzy Kirszak,  
Dr Ewa Kowalska, Dr Dmitriy Panto  
نقشه‌ها: Maciej Czaplicki, ArtSun

اطلاعات بیشتر در سایت:  
MORE ON THE WEBSITE:

[SZLAKINADZIEI.IPN.GOV.PL](http://SZLAKINADZIEI.IPN.GOV.PL)

همکار اصلی نمایشگاه:

MAIN PARTNER OF THE EXHIBITION:



1918-2018

حمایت ملی

توسط ریاست جمهوری لهستان جناب آقای آندژی دودا  
به مناسبت یکصدمین سالگرد استقلال



Ministry  
of Foreign Affairs  
Republic of Poland

حمایت رسانه ای:  
MEDIA PATRONAGE:

